

گرفتاری غنی ایرانی —سبک‌های اصلیل از یاد رفت

نخستن غبار فراموشی بر سبک غنی معماری ایرانی-اسلامی در ابنیه مسکونی به‌گونه‌ای است که دیگر نمی‌توان نام و نشانه‌ای از معماری اصیل ادوار گذشته در بناهای فعلی مشاهده کرد.

«معماری ایرانی-اسلامی» عنوان و واژه غربی در تاریخ این موزیوم به شمار نمی‌رود و همچنان نشانه‌هایی از شکوه، عظمت و جلال این سبک خاص را معماری را می‌توان در آثار و ابنیه به‌جای مانده از دوران گذشته در برخی نقاط کشور مشاهده کرد. آثار و ابنیه متعدد، متکثر و متنوع معماری رانی-اسلامی در این موزیوم، مؤید تبحر، هوش توانمندی و برجسته و منحصربه‌فرد معماریی است که با درآمیختن فن ساختمان‌سازی و الهام گرفتن از ارزش‌ها و مفاهیم ایرانی-اسلامی به خلق آثار و ابنیه‌ای مبادرت ورزیده‌اند که برخی از آن‌ها بعد از گذشت قرن‌ها، همچنان شکوه و عظمت خاص خود را حفظ کرده‌اند.

با تَوَرُّقِ در کتب تاریخی، به مطالب ارزشمندی از مورخان بزرگ و صاحب‌نام مواجه می‌شویم که شکوه معماری آن دوران را در قالب واژگان و عبارات به تصویر می‌کشند، تصویری که نمونه‌های عینی آن در برخی از شهرها و مناطق ایران‌زمین خودنمایی می‌کند، اما به‌ندرت می‌توان در سبک‌های معماری نوین دوران فعلی، میل و رغبتی از لحاظ کردن شیوه‌ها و طراحی‌های ساختمان‌سازی با معماری آن دوران یافت کرد و آنچه امروز در شیوه‌های معماری و ساخت‌وساز بناها مورداستفاده قرار می‌گیرد، پیرو سبک و سیاق طرح‌ها، الگوها و معماری‌های بیگانه و غریب است.

بدون تردید عناصر محیطی نقش بسزایی بر رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌ها انسان ایفا می‌کنند و از این رهگذر سبک زندگی عموم مردم نیز تحت‌الشعاع معماری‌های مرسوم قرار می‌گیرد که بازارش‌ها، باورها و جهان‌بینی ایرانی-اسلامی‌سنخیت و سازگاری چندانی ندارد.

امروزه تأثیر اجتماعی بر رفتارها و شیوه زندگی افراد و گروه‌های معماری غیرقابل‌انکار است و نفوذ معماری غربی در اندیشه‌های طراحان و فعالان حوزه ساخت‌وساز ابنیه مسکونی، مولعی جدی را در مسیر ترویج و تحریف سبک زندگی اسلامی ایجاد خواهد کرد و همین امر لزوم احیای معماری ایرانی-اسلامی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد.

امروزه تأثیر معماری بر رفتارها و شیوه زندگی افراد و گروه های اجتماعی غیر انکار است .

واکاو فرایند تأثیرگذاری و تأثیرپذیری معماری بر الگوهای رفتاری جامعه موضوع پیچیده‌ای است که امکان پرداختن به آن در این گزارش فراهم نیست و در سلسله گزارش‌های بعدی به‌صورت مفصل‌تری به آن پرداخته خواهد شد، لذا در این گزارش تلاش می‌شود نشانه‌ها و شاخصه‌های معماری ایرانی-اسلامی و فرازاها و فرودهای این سبک خاص از معماری با تکیه و تمرکز بر منازل و سکونتگاه‌ها(خانه) در شهرستان شهریار موردبحث و بررسی قرار گرفته‌اند. در ادامه، کنکاش و واکاوی در خصوص دو شهرستان ملارد و قدس نیز مدنظر قرار دارد که به زودی در قالب گزارش های جزئی منتشر خواهد شد.

دلایل و عوامل مؤثر در فراموش‌شدن این سبک از معماری و راهکارهای لازم در این گزارش برای احیای معماری ایرانی-اسلامی موردبحث و بررسی قرار خواهد گرفت. برای بررسی دقیق‌تر موضوع ابتدا لازم است واژه معماری تعریف شود و در گام بعد به مختصات و نشانه‌هایی از معماری ایرانی- اسلامی اشاره خواهد شد.

منیژه خاوندی دانش‌آموخته رشته معماری در گفت‌وگو با خبرنگار مهر و در تعریف واژه معماری عنوان کرد: معماری هنر و دانش طراحی بناها و سایر ساختارهای کالبدی است که در تعریف جامع‌تر، تکامل اثر آن باید مدتی، طرح طراحی تمامی محیط‌های مصنوع اعم از شهری، رُرد، ساختمانی و حتی طراحی مبلمان شهری تحت عنوان معماری معنا می‌شود.

وی افزود: طراحی معماری در اصل، استفاده خلاقانه و هوشمندانه از فضای، توده، بافت، نور، سایه، مصالح به فراخور موقعیت طبیعی، جغرافیایی و فرهنگ حاکم بر جامعه یا محدوده و منطقه‌ای مشخص با لحاظ کردن قواعد علمی و مهندسی و ریاضیات به شمار می‌رود.

دانش‌آموخته رشته معماری عنوان کرد: آثار معماری را می‌توان به نمادهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک کشور یا جامعه تعبیر کرد که به‌بنوعی محصولی از شرایط و باورهای فرهنگی و اجتماعی جامعه محسوب می‌شوند.

ویژگی‌های معماری ایرانی-اسلامی

خاوندی در تشریح ویژگی‌های معماری ایرانی - اسلامی اظهار داشت: در این سبک از معماری فضای مقدس عبادت و بندگی خدا از مؤلفه‌های برجسته‌هنر مذکور محسوب می‌شود.

این دانش‌آموخته رشته معماری گفت: در تلفیق معماری ایرانی با اسلامی نیز این وجه و القای ذهنی به مخاطبان متبادر می‌شود، زیرا ایرانیان از دیرباز به‌عنوان ملتی خدابپرست و معتقد به پروردگار شهره و مطرح بوده‌اند.

وی افزود: این ذهنیت و احساس معنوی در بناهای مقدس و مذهبی همچون امامزادگان، مساجد و...متجلی می‌شود و در منازل مسکونی نمی‌توان با چنین برجستگی شاهد نفوذ این احساس بود، اما به هر ترتیب رگه‌هایی از این معماری خاص در ابنیه مسکونی نیز لحاظ شده که مؤید نگاه انسان و نگرش او به زندگی و بندگی پروردگار است.

ترنینانی همچون آیینه‌کاری، آجرکاری، کاشی‌کاری، حجری، نقاشی و... کاشی‌کاری، حجاری، منبت‌کاری، گچ‌بری، نقاشی و... چون زنجیره‌ای بهم‌پیوسته، تقویت‌کننده ارتباط بین انسان و پروردگار بوده است .

خاوندی گفت: هنرهای والای اسلامی از هنرهای تزئینی و کاربردی تا احداث بزرگ‌ترین بناهای مذهبی، اهمیت و اعتبار ویژه‌ای دارد و تزئیناتی همچون آیینه‌کاری، آجرکاری، کاشی‌کاری، حجاری، منبت‌کاری، گچ‌بری، نقاشی و...چون زنجیره‌ای بهم‌پیوسته، تقویت‌کننده ارتباط بین انسان و پروردگار بوده و سیر حرکتی از کثرت به وحدت مهم‌ترین ویژگی بارز معماری دوران ایرانی-اسلامی است.

دانش‌آموخته رشته معماری عنوان کرد: ساخت محراب برای عبادت پروردگار یکی از شاخصه‌های معماری ایرانی اسلامی به شمار می‌رود و با در نظر گرفتن حیاط و فضای سرسبز در ابنیه به این اهمیت یی می‌بریم که ارتباط انمان با طبیعت بخش دیگری از مختصات و ویژگی معماری مذکور محسوب می‌شود.

وی افزود: معماری مذکور، تأمین‌کننده مجموعه‌ای از نیازهای مادی و روحی انسان‌ها است و هیچ‌کدام برای دیگری نادیده گرفته نشده‌اند، زیرا در مبانی اسلامی نیز دنیا پلی ارتباطی است برای آخرت که کیفیت و سرنوشت انسان در آن از گذر دنیای مادی و نحوه عملکرد وی در عرصه مادی عبور می‌کند.

خاوندی بابیان نقش مصالح و شیوه به‌کارگیری آن در گسترش احساس معنوی، الهی و مقدس به انسان گفت: آجرهای مربعی شکل، گچ به‌عنوان عنصری تأثیرگذار در سیما و زیبایی ابنیه، کاشی و رنگ‌آمیزی فیروزه‌ای‌رنگ آن به‌عنوان رنگی الهی و معنوی از دیگر شاخصه و نشانه‌های این سبک از معماری به شمار می‌رود که به‌تدریج در ادوار اسلامی در تغییراتی همراه می‌شود که این امر در معماری دوران سلجوقی، صفوی، ایلخانی، تیموری و...قابل‌فهم و درک است.

نماینگاهی از هنرهای ایرانی-اسلامی

وی با اشاره به خشت به‌عنوان یکی از مصالح معمول و شایع به‌کاررفته در بناهای احداث‌شده در چارچوب معماری ایرانی و اسلامی عنوان کرد: با عنایت به مقاومت نه‌چندان مستحکم آن در برابر باد، برف و باران، بناهای خشتی چندانی از روزگاران گذشته باقی نمانده است و بخش قابل‌توجهی از آن‌ها دچار تخریب، ریزش و نابودی شده‌اند.

دانش‌آموخته رشته معماری عنوان کرد: استفاده از سنگ‌آهک، سنگ مرمر، چوب درختان سپیدار، چنار، کاج، گردو و شیشه از دیگر مصالح معمولی است که در آثار و ابنیه ایرانی و اسلامی مورداستفاده قرار می‌گرفته است.

وی افزود: آمیخته شدن مصالح مذکور با سفالگری، خوشنویسی، نگارگری، تذهیب، پرتو پردازی، محوطه‌سازی، فضا آرای، ابنیه و معماری ایرانی-اسلامی را به نماینگاهی از هنرهای ایرانی-اسلامی تبدیل می‌کرد، امری که متأسفانه در معماری‌های نوین امروزی کمتر نشانه‌ای از آن شکوه و عظمت ادوار گذشته را شاهد هستیم و به‌نوعی می‌توان گفت آن سبک و سیاق معماری دوران گذشته به پایگانی تاریخ سپرده‌شده است.

به‌طور طبیعی در این فراموشی تاریخی، استان تهران و غرب این خطه(شهریار، ملارد و قدس) از غبار فراموشی معماری اصیل و باشکوه آن دوران مصون نمانده که با تشریح بخشی از سیر تاریخی این مناطق، به واقعیت تلخ مذکور پی خواهیم برد.

در ذیل این گزارش به شهرستان شهریار پرداخته می‌شود و سپس شهرستان‌های ملارد و قدس موردبحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

نگاهی به شهریار در معماری

بر اساس اظهارات مورخان و کارشناسان رشته تاریخ، شهریار در حدود دو قرن پیش از ۶۰ روستای آباد برخوردار بوده است. در بستان السیاحه (کتابی که توسط حاج زین‌العابدین شیروانی در دوران قاجار تألیف شد و این خطه نیز نامیده باشد: است: «شهریار بلوکی است فرخنده، آثار از بلوکات تهران و در یکی‌منزل آن است، قرب به شصت پارچه فربه معموره در اوست، آبش فراوان و هوایش مطربله خاشن نیکوست، باغات فراوان و غلات ارزان دارد، فواکه سردسیرش ممتاز، سیما انگورش به امتیاز است و باد شهریار جان‌گداز است، مردمش گروه مختلفه از کرد، ترک و تاجیک(به معنای فارسی) و همگی شیعی».

منطقه شهریار به دلیل نزدیکی به پایتخت به‌تدریج با آبادانی قابل‌توجهی همراه و همین قربات و نزدیکی به پایتخت ایران باعث شد تا تعداد نقاط آباد این خطه تا ۲۰۰ روستا افزایش یابد.

بر اساس قانون تقسیمات کشوری مصوب در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی، ناحیه شهریار به‌عنوان یکی از بخش‌های شهرستان تهران تعریف و مرکزیت آن نیز منطقه‌ای با عنوان «علی شاه عوض» تعیین شد و سپس در بهمن سال ۱۳۳۳ ناحیه شهریار از تابعیت تهران خارج و به تابعیت شهرستان کرج درآمد و مرکزیت آن محدوده(علی شاه عوض) نیز به‌عنوان شهری مستقل معین شد.

شیوا موجد نیا کارشناس و پژوهشگر رشته تاریخ در گفت‌وگو با خبرنگار مهر در تشریح و بررسی تاریخ این منطقه اظهار داشت: شهریار به‌عنوان یک گفت‌ساختار این منطقه از ابتدا به‌صورت شهری بنا نشده بود و علی شاه عوض به مجموعه‌ای از روستاها همچون گرشته و...اطلاق می‌شد که بعدها به شهریار تغییر نام داد که هنوز نیز برخی از اقشار و گروه‌های سنتی با همین عنوان از آن یاد می‌کنند.

وی افزود: امروزه شهرستان شهریار به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق استان تهران مطرح است و هم‌چواری آن با استان البرز، شهر تهران، ملارد، قدس، رباط کریم و اسلامشهر موقعیت خاصی را به این منطقه بخشیده است.

کارشناس و پژوهشگر رشته تاریخ گفت: در بررسی تاریخی این منطقه، تفاوت جدی و معناداری با دیگر شهرستان‌های غرب استان تهران همچون ملارد و قدس مشاهده نمی‌شود، زیرا در گذشته نه‌چندان دور محدوده‌های مذکور همگی در قالب یک شهرستان واحد تحت عنوان(شهریار) قرار داشتند.

موجد نیا عنوان کرد: از منظر تاریخی، محدوده ملارد از قدمت بیشتری برخوردار است اما این به معنای فاصله جدی میان آثار، ابنیه و سبک و طراحی معماری‌های به کار گرفته‌شده در این منطقه نیست، زیرا تأثیرپذیری و تأثیرگذاری رنگارنگی میان مناطق مذکور در کنش و واکنش‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی وجود داشته که با بررسی دقیق‌تر می‌توان عنوان کرد که به‌نوعی شهرستان‌های قدس و ملارد در طول سال‌ها و دهه‌های گذشته در سایه شهریار قرار داشته‌اند که هنوز نیز به‌نوعی این تفوق در برخی حوزه‌ها احساس می‌شود.

وی افزود: در حیث تاریخی، آثار مشکوفه از این شهرستان به چهار هزار سال پیش بازمی‌گردد و آثار به‌جای مانده از شهریار (در دو دوره پیش از اسلام و پس از اسلام) شامل ابنیه تاریخی، قلعه‌ها، تپه‌ها، امامزادگان و ... می‌شود.

این کارشناس و پژوهشگر رشته تاریخ عنوان کرد: در خصوص سبک معماری بناهای مسکونی در این خطه، تحقیقات جامع و کامل چندانی مشاهده نمی‌شود و در حال حاضر نمی‌توان به‌صورت مشخص به این موضوع اشاره داشت که شاخصه‌ها، زیبایی، جلال و شکوه معماری ایرانی و اسلامی(به کیفیت تعریف‌شده از سبک و سیاق احداث و بنای منزل در آن دوران) را به تصویر بکشد.

وی افزود: در صورت عدم تمرکز به منزل مسکونی و فراخ و گسترده‌تر بودن دامنه بررسی آثار



خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

خانه درسیک زندگی ایرانی اسلامی

عمیقی از این امر وجود ندارد.

دانش‌آموخته رشته شهرسازی گفت: از سوی دیگر

رشد شهرنشینی به‌عنوان عرصه‌ای که اصلی‌ترین کانون و تجلی‌گاه سبک‌های معماری به شمار می‌رود، باعث شده تا از دهه ۳۰ به بعد، پدیده شهرنشینی با سرعت و شتاب محسوس و قابل‌توجهی رشد و تسری یابد و این گسترش آن‌چنان‌که باید با مفاهیم و جهان‌بینی ایرانی-اسلامی هم‌نشین و همگام نشد.

بسیاری از فعالان حوزه شهرسازی و ساختمان‌سازی با مفاهیم و شاخصه‌های معماری ایرانی-اسلامی ناآشنا هستند و آگاهی و شناخت عمیقی از این امر وجود ندارد.

آیینی با اشاره به الگو قرار گرفتن تهران به‌عنوان مرکزیت و پایتخت کشور ایران در عرصه ساخت‌وساز عنوان کرد: سرنسلسه و سراغاز بسیاری از تغییرات، از این نقطه(تهران) کلید خورد و به‌طور طبیعی برای ناآل شدن به شناختی کافی از روند تحولات شکل‌گرفته در حوزه معماری ایران، باید تغییرات و فراز و نشیب‌های تهران با دقت نظر مفاهیم بررسی و واکاوی شود. وی افزود: افزایش قابل‌توجه درآمد‌های نفتی و میل به مصرف‌گرایی از یکسو و نقش‌آفرینی سیاست‌مداران و صاحبان سرمایه از دهه ۳۰ به بعد، باعث بروز پدیده‌های نوظهور در زندگی جامعه ایرانی شد و معماری ایرانی-اسلامی نیز از این فرایند تأثیر گرفت.

وی افزود: ارتقاع اندیشه‌های افراد و گروه‌های دست اندر کار از تفکرات غربی باعث شد تا مسیر پیمایش پدیده‌ها با اقتضات و فرهنگ و اندیشه‌های فردگرایانه همگام شود که این موضوع در نقطه مقابل جهان‌بینی اصیل ایرانی-اسلامی (مبتنی بر جامعیت و روش و مکتب هیتنی و جمعی) قرار داشت.

آیینی در تشریح برخی از مختصات و نشانه‌های فرهنگ غربی عنوان کرد: منبت، فخرفروشی و تفاخر از اصلی‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ مذکور محسوب می‌شود و در سبک معماری نیز، این مفاهیم بر سبک معماری ایرانی-اسلامی غلبه کرد و احترام، تواضع و ترجیح دیگران بر خود، مفقود یا کمرنگ شد.

از ضعف‌های نظارتی تا خلاها و کاستی‌های پژوهشی

مدیر مجموعه عمران اندیشه در تشریح دیگر عوامل مؤثر در شیوع معماری غربی بابیان عدم اعمال نظارت کیفی و کافی در ساخت‌وسازها گفت: با غلبه اندیشه‌های غربی، برخی از ضروریات و مفاهیم ارزشی نیز کمرنگ شد و این موضوع به نظارت‌های کیفی نیز تسری پیدا کرد و بر سبب فراهم شد تا به‌نوعی حساسیت‌ها در خصوص برخی از الزامات و بایدهای ضروری در نحوه و سبک معماری تضعیف و کمرنگ شود.

وی افزود: به‌طور طبیعی در چنین شرایطی، عدم اشراف بنا به منازل همسایه و رعایت حریم‌ها آن‌چنان‌که باید جدی گرفته نشد و نظارت‌ها به سمت مؤلفه‌های کمی، همچون استحکام بنا سوق پیدا کرد که البته این به معنای بی‌اهمیت بودن شناخت‌ها و بنا شده اند، بلکه آنچه در این فرایند به‌عنوان یک ضعف مطرح است، به نادیده گرفته شدن مفاهیم ارزشی اشاره‌شده در کنار ابعاد کمی ساخت ابنیه معطوف می‌شود.

آیینی گفت: برتری نگرش سوداگرانه و در اولویت قرار گرفتن آن برخلاف جهان‌بینی اسلامی و ارزشی و علم‌محور و همنوایی و همسویی میان نهادهای دانشگاهی و نهادهای اجرایی در حوزه‌های معماری و ساختمانی از دیگر عواملی به شمار می‌رود که در طول دهه‌های گذشته و دوران معاصر، اعمال و اجرای سبک معماری ایرانی-اسلامی را دچار چالش‌های جدی ساخت.

وی افزود: به‌عنوان نمونه در سال ۷۵، مباحثی در خصوص معماری ایرانی-اسلامی مطرح شد اما بعد از گذشت قریب به ۲۰ سال، همچنان ضوابط مرتبط با این موضوع به‌صورت کامل و جامع عرضه نشده است.

آیینی گفت: در مقایسه شورای عالی معماری در این قضیه ورود کرد و به این امر خطیر اشاراتی داشته است اما بعد از مدتی موضوعات مطروحه دچار سردی و فراموشی شد.

چه باید کرد

این دانش‌آموخته رشته شهرسازی در پاسخ به سؤال خبرنگار مهر در خصوص راهکارهای پیشنهادی برای برون‌رفت از وضعیت موجود گفت: در نظر گرفتن اصول اسلامی و مبانی فرهنگی این موزیوم به‌تناسب و فراخور موقعیت طبیعی، جغرافیایی و اقلیمی کشور ایران و شهرستان‌ها و استان‌های تعریف‌شده در ساختار تقسیمات کشوری و فرهنگ‌سازی و آموزش صحیح دراین‌ارتباط، از ضروریات است که حصول این امر را تسهیل و تسریع خواهد کرد.

آیینی عنوان کرد: با قائل بودن به این اصل که پایه و ریشه اصلی تمامی اقدامات ما، منشعب از اندیشه و مبانی فکری و اعتقادی ما خواهد بود، این واقعیت محرز می‌شود که تحقق هرگونه تغییر و تحولی در سبک معماری و تکنیک‌هایی که در حوزه ساختمان‌سازی و شهرسازی اعمال می‌شود، مستلزم فرهنگ‌سازی عمیق و اصولی است و باید این روش، منش و اندیشه‌ها برای معماران و شهرسازان کشور نیز تبیین و واکاوی شود.

وی افزود: در چنین عرصه‌ای نقش مراکز علمی، دانشگاهی و پژوهشی بسیار نافذ و تأثیرگذار است.

مدیر مجموعه عمران شهر جدید اندیشه عنوان کرد: فصل عدالت در جهان‌بینی اسلامی یکی از فرازهای این مکتب به شمار می‌رود و چنین مؤلفه‌ای باید در معماری و شهرسازی ما نیز لحاظ شود تا از این منظر به سازمان‌دهی عادلانه‌ای در این عرصه ناآل شوم که پاسنگری نیازهای مادی و معنوی ما باشد. وی افزود: با حصول چنین امری، عدم اختلاط نامناسب میان نامرحمان در سبک معماری نیز لحاظ می‌شود و در غیر این صورت با غلبه اختلاط گرایی و نادیده انگاشتن چارچوب‌های تعریف و تعیین‌شده در عرصه عفاف یا حجاب، از سبک اصیل و ارزشی معماری ایرانی-اسلامی نیز فاصله خواهیم گرفت.

آیینی عنوان کرد: ظهور و بروز مفاهیم و مبانی اسلامی در معماری ایرانی-اسلامی، اهمیت به شمار می‌رود و فقط با احداث یا تعبیه نشانه‌های صرف از سبک معماری ایرانی-اسلامی نمی‌توان به نتایج شایسته‌ای در این خصوص ناآل شد، زیرا هدف از پیاده‌سازی معماری ایرانی اسلامی تنها ظاهری محض از این هنر نیست بلکه منظور نظر از لزوم

غربت معماری غنی ایرانی —سبک‌های اصلیل از یاد رفت

احیای معماری ایرانی -اسلامی، جنبه‌های کاربردی و نتایجی است که در سبک و شیوه زندگی نیز حاصل می‌شود.

وی افزود: به‌عنوان‌مثال، اسراف در اسلام امری نکوهیده به شمار می‌رود و زمانی می‌توان در پسوند معماری، واژه اسلامی را به معنای حقیقی اعمال و لحاظ کرد که در مصالح ساختمانی و شیوه ساخت نیز چارچوب اشاره‌شده، لحاظ شود.

دانش‌آموخته رشته شهرسازی گفت: معماری ایرانی-اسلامی، تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای را می‌پذیرد و قائل به تمایزات میان اقوام، گروه‌ها و طوایف است و در هنر معماری ایرانی-اسلامی، دوقطبی محلی از اعراب ندارد و بدون تردید احداث محراب یا نمازخانه در بنای ایرانی-اسلامی ضرورتی غیرقابل‌انکار و غیرقابل‌اجتناب محسوب می‌شود.

آیینی در پاسخ به سؤال خبرنگار مهر در خصوص خلأهای قانونی موجود در حوزه ترویج معماری ایرانی و اسلامی گفت: به نظر بنده مشکل قوانین در این عرصه چندان جدی نیست و ضرورت اصلی به اندیشه و تفکر افراد و گروه‌های مسئول در بخش معماری معطوف می‌شود.

وی افزود: آنچه قابل‌توجه است، ناظر بر این امر می‌شود که در معماری ایرانی-اسلامی، واژه ایرانی پیش از اسلامی قی‌شده و این بدان معنا است که فرهنگ ایرانی منافاتی با اسلام نداشته، زیرا ایرانیان از ابتدا متحد و خدابپرست بوده‌اند و بدون تردید در صورت نقش‌آفرینی افراد و گروه‌های آشنا به مبانی و اندیشه‌های ایرانی-اسلامی و لحاظ کردن رد این امر معماری مربوط، بستر و زمینه مناسبی برای اجرای این امر فراهم خواهد شد.

طراحان و صاحبان سرمایه بازنگران اصلی ترویج معماری ایرانی و اسلامی

دانش‌آموخته رشته شهرسازی در خصوص گروه‌ها، دستگاهها و نهادهای اثرگذار در ترویج و پیاده‌سازی معماری ایرانی-اسلامی گفت: سه فشر طراحان، مجریان و صاحبان سرمایه، بازیگران اصلی این شیوه و سبک از معماری هستند و بدون تردید باتربیت و آموزش افراد آشنا به اندیشه‌های ایرانی-اسلامی و توجه به مفاهیم نپاه و آشکار این مکتب، بناهای مسکونی و فضاهای فیزیکی شهر در قالب معماری اشاره‌شده، احداث خواهند شد.

عرضه سیاست‌های تشویقی به‌عنوان مؤلفه‌های انگیزشی از دیگر عوامل تأثیرگذار در ترویج معماری ایرانی-اسلامی محسوب می‌شود که به‌عنوان عوامل ثانویه مؤثر و قابل‌توجه به نظر می‌رسد.

وی افزود: عرضه سیاست‌های تشویقی به‌عنوان مؤلفه‌های انگیزشی از دیگر عوامل تأثیرگذار در ترویج معماری ایرانی-اسلامی محسوب می‌شود که به‌عنوان عوامل مؤثر و قابل‌توجه به نظر می‌رسد.

آیینی گفت: این سیاست‌ها زمانی کارآمد خواهد بود که پایه فکری و فرهنگی لازم ساخته و ایجاد شود و در چنین شرایطی با لحاظ کردن بسته‌های تشویقی و مالیاتی، فرآیند حصول، تحقق و ترویج سبک معماری ایرانی-اسلامی نیز تسریع خواهد شد.

آیینی با اشاره به نقش نما و سیمای بصری ساختمان‌ها و ابنیه و تأثیرگذاری بر هر هدایت ذهنی انسان گفت: وقتی سخن از نمای ساختمان به میان می‌آید، به‌نوعی وارد فضای شهری می‌شویم که می‌توان آن را به‌منابه دعوت ذهنی انسان به موضوعی خاص قلمداد کرد.

مدیر مجموعه عمران شهر جدید اندیشه عنوان کرد: به‌عنوان نمونه، قرار گرفتن انسان در برابر فضای گنبدی یا مسجد زیبای فیروززای احساس متفاوتی را نسبت به‌مواجهه انسان با ساختمانی بلند در پی خواهد داشت.

وی افزود: قرار گرفتن انسان در مقابل گنبدی فیروززای‌رنگ، از را از عالم مادی خارج می‌کند و به سمت عالم معنا و معنویت سوق می‌دهد اما مواجهه انسان در برابر ساختمانی به‌شمار حس خرات را به انسان القا می‌کند و این دو برداشت ذهنی متفاوت است که در پی تأثیرپذیری از سیمای بصری محیط در ذهن فرد یا مخاطب